



شهادت امام رضا

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) هشتمین پیشوای شیعیان امامیه می‌باشد. **شهادت** در راه خدا، از جمله فضیلت‌های مشترک میان این امام معصوم و سایر امامان شیعه است. گزارش‌هایی از شهادت امام رضا (علیه السلام) در منابع آمده است که در این نوشتار آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - گزارش‌های شهادت امام رضا
- ۳ - گزارش کلی شهادت
 - ۳.۱ - بررسی سند گزارش
 - ۳.۱.۱ - مجد بن موسی بن متوکل
 - ۳.۱.۲ - علی بن ابراهیم
 - ۳.۱.۳ - ابراهیم بن هاشم
 - ۳.۱.۴ - ابوالصلت هروی
 - ۴ - گزارش‌های اختصاصی
 - ۴.۱ - گزارش‌های خبر از شهادت
 - ۴.۱.۱ - روایت اول
 - ۴.۱.۲ - روایت دوم
 - ۴.۱.۲.۱ - بررسی سند
 - ۴.۱.۲.۲ - روایت سوم
 - ۴.۱.۳ - روایت سوم
 - ۴.۱.۴ - روایت چهارم
 - ۴.۲ - گزارش‌های وقوع شهادت
 - ۴.۲.۱ - روایت یکم
 - ۴.۲.۱.۱ - بررسی سند
 - ۴.۲.۲ - روایت دوم
 - ۴.۲.۳ - روایت سوم
- ۵ - جمع‌بندی
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

مقدمه

بر پایه پاره‌ای از گزارش‌ها، پایان زندگانی همه **امامان شیعه** از جمله **امام رضا (علیه السلام)** به **شهادت** ختم می‌شود، علاوه بر این گزارشات کلی، تعدادی از گزارش‌های اختصاصی درباره شهادت امام رضا (علیه السلام) وجود دارد، مطابق برخی از اینها، امام هشتم از شهادت خود خبر داده و برخی دیگر از به شهادت رسیدن آن حضرت توسط **مامون عباسی** حکایت دارد. مجموعه گزارشات کلی و اختصاصی، حجم قابل توجهی را در سراسر میراث مختلف امامیه به خود اختصاص داده است تا آنجا که به درستی آنها می‌توان اطمینان حاصل نمود، در عین حال پاره‌ای از این گزارشات به تنهایی نیز اعتبار کافی را بر اساس موازین دانش رجال دارند.

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به عنوان هشتمین پیشوای **شیعیان**، مناقب فراوان دارد. شهادت در راه خدا، از جمله فضیلت‌های مشترک میان این امام معصوم و سایر امامان شیعه است. این نوشتار در نظر دارد، تعدادی از مستندات منابع امامیه که از شهادت آن حضرت سخن به میان آورده، ارائه کند.

گزارش‌های شهادت امام رضا

گزارش‌های مربوط به **شهادت** امام رضا (علیه السلام) به دو بخش گزارش‌های کلی و اختصاصی تقسیم می‌گردد. مجموع این گزارش‌ها حجم قابل توجهی از میراث حدیثی و غیر حدیثی امامیه را به خود اختصاص داده است. کنار هم قرار دادن این گزارش‌ها، اطمینان به درستی آن را در پی دارد، به همین دلیل نیازی به بررسی سندی تک تک آنها نمی‌باشد، در عین حال همانطور که در ادامه خواهید دید، روایات معتبر بر اساس **دانش رجال** امروزی، در این‌باره متعدد وجود دارد.

در ادامه یک روایت از جمله گزارشات کلی شهادت و تعداد شش روایت از مجموع گزارشات اختصاصی را تنها با تکیه بر یکی از منابع حدیثی امامیه یعنی «**عیون اخبار الرضا علیه السلام**» **شیخ صدوق** (رحمة الله علیه) ارائه می‌کنیم. این گزارش‌ها توسط افرادی مانند **ابوالصلت هروی**، **یاسر الخادم** و **ریان بن شیب**، به دست ما رسیده است.

گزارش کلی شهادت

بر پایه تعدادی از روایات، فرجام زندگانی همه **معصومان**، شهادت است. مطابق این دسته روایات، باید پذیرفت که زندگانی امام رضا (علیه السلام) با شهادت به پایان رسید. روایات در این‌باره متعدد است، اما از آنجا که در نظر داریم نوشتاری مستقل پیرامون این دسته روایات تهیه کنیم، در اینجا به ذکر یک روایت که از سوی امام رضا (علیه السلام) هم صادر شده و دارای سند معتبر است، بسنده می‌شود. **شیخ صدوق** (رحمة الله علیه) در گزارش می‌آورد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَجَمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا

(عليه السلام) يَقُولُ وَ اللَّهُ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ.

[۱] القمى، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفای ۳۸۱هـ)، عیون اخبار الرضا (عليه السلام) ج ۳، ص ۲۵۶.

عبدالسلام بن صالح هروی (خادم امام رضا (عليه السلام)) می‌گوید: از امام رضا (عليه السلام) شنیدم که فرمود: به خدا قسم، کسی از ما (معصومان) نیست جز آنکه کشته و شهید است.

← بررسی سند گزارش

سند این روایت از اعتبار و اتقان بالایی برخوردار است. در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

←← مجد بن موسی بن متوکل

راوی اول آن **مُجَمِّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ** است. وثاقت او بر پایه قرائن ذیل ثابت است: نخست آنکه: شیخ صدوق (رحمة الله علیه) روایات فراوانی از او در کتاب‌های گوناگونش نقل می‌کند، چنین امری می‌تواند نشان از اعتماد و تأیید صدوق (رحمة الله علیه) نسبت به او باشد. به همین دلیل جمعی از دانشمندان بر این عقیده‌اند اگر روایان ثقه به ویژه افرادی مانند **کلینی** و شیخ صدوق، روایات زیادی از یک راوی نقل کنند، نشان از اعتماد آنها به آن راوی بوده است.

[۲] نگ: ترابی شهر رضایی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، ص ۳۴۵.

و عده‌ای از عالمان اینگونه افراد را مورد وثوق می‌دانند.

از جمله مرحوم **آیت الله بروجردی** در یک سخنی چنین می‌آورد:

الظاهر انه يمكن استكشاف وثاقة الراوى من تلاميذه الذين اخذوا الحديث عنه فاذا كان الآخذ مثل الشيخ او المفيد او الصدوق او غيرهم من الاعلام خصوصا مع كثرة الرواية عنه لا يبقى ارتباب فى وثاقته اصلا.

[۳] الفاضل النكرانى، نهاية التقرير فى مباحث الصلاة، تقرير بحث البروجردى، ج ۲ ص ۲۳۲، ناشر: مركز فقه الاثمة الاطهار عليهم السلام.

ظاهر آن است که وثاقت راوی را می‌توان از طریق شاگردانی را که از او حدیث اخذ نمودند، به دست آورد. پس زمانی که گیرنده حدیث مثل **شیخ طوسی**، **شیخ مفید**، شیخ صدوق و امثال این بزرگان باشند، به ویژه آنکه از آن راوی زیاد روایت نقل کنند، شکی در وثاقت آن راوی باقی نمی‌ماند.

دوم آنکه: **سید بن طاووس** (رحمة الله علیه) وثاقت او را مورد اتفاق می‌داند. **آیت الله خویی** در این باره می‌گوید:

ادعى ابن طاووس فى فلاح السائل عند ذكر الرواية عن الصادق (عليه السلام) "انه ما احب الله من عساه" الاتفاق على وثاقته فالنتيجة ان الرجل لا ينبغي التوقف فى وثاقته.

[۴] الموسوى الخونى، السيد ابو القاسم (متوفای ۱۴۱۱هـ)، معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۳۰، الطبعة الخامسة، ۱۳۱۲ ۱۹۹۲م.

سید بن طاووس در کتاب **فلاح السائل** آنگاه که روایت **امام صادق (عليه السلام)** "انه ما احب الله من عساه" را آورد، ادعای اتفاق بر وثاقت **مُجَمِّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ**، نموده است. بنابراین شایسته نیست در وثاقت او توقف کنیم.

←← علی بن ابراهیم

راوی دوم **علی بن ابراهیم** است. نجاشی درباره او می‌گوید:

علی بن ابراهیم بن هاشم ثقه فى الحديث ثبت معتمد صحيح المذهب.

[۵] النجاشى الاسدى الكوفى، ابوالعباس احمد بن على بن احمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی،

ص ۲۶۰، تحقيق: السيد موسى الشيبيرى الزنجانى، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

علی بن ابراهیم انسانی مورد وثوق در حدیث، مورد اعتماد و دارای مذهبی درست است.

←← ابراهیم بن هاشم

سومین نفر در این سلسله، پدر علی بن ابراهیم (ابراهیم بن هاشم) است. آیت الله خویی (رحمة الله علیه) در شرح حال او می‌نویسد: لا ينبغي الشك فى وثاقة ابراهیم بن هاشم ويدل على ذلك عدة امور: الاول: انه روى عنه ابنه على فى تفسيره كثيرا وقد التزم فى اول كتابه بان ما يذكره فيه قد انتهى اليه بواسطة الثقات. الثانى: ان السيد ابن طاووس ادعى الاتفاق على وثاقته. الثالث: انه اول من نشر حديث الكوفيين بقم والقميون قد اعتمدوا على رواياته وفيهم من هو مستصعب فى امر الحديث فلو كان فيه شائبة الغمز لم يكن يتسالم على اخذ الرواية عنه وقبول قوله.

[۶] الموسوى الخونى، السيد ابو القاسم (متوفای ۱۴۱۱هـ)، معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۳۹۱، الطبعة الخامسة، ۱۳۱۳ ۱۹۹۲م.

هیچ تردیدی در وثاقت **ابراهیم بن هاشم** وجود ندارد به دلیل آنکه:

اولا: فرزند او (علی بن ابراهیم) در تفسیرش از او روایت کرده است و او ملتزم شده که از افراد مورد وثوق در تفسیرش روایت کند.

ثانیا: سید بن طاووس ادعا کرده که وثاقت ابراهیم بن هاشم اجماعی است.

ثالثا: او اولین نفری بوده که احادیث **اهل بیت (عليهم السلام)** را در **قم** آورده و قمی‌ها به روایات او اعتماد داشتند در حالی که در میان قمی‌ها افرادی بودند که در امر حدیث سخت‌گیر بودند و اگر او را مورد اعتماد نمی‌دانستند، این چنین احادیث او در میان آنان مورد قبول نبود.

←← ابوالصلت هروی

آخرین راوی این حلقه ابوالصلت هروی است.

نجاشی او را چنین می‌ستاید:

عبد السلام بن صالح ابو الصلت الهروى ثقه صحيح الحديث.

[۷] النجاشى الاسدى الكوفى، ابوالعباس احمد بن على بن احمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی،

ص ۲۴۵، تحقيق: السيد موسى الشيبيرى الزنجانى، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

عبدالسلام بن صالح مورد وثوق است و احادیث او درست است.

همانطور که ملاحظه نمودید، روایت فوق از نظر دانش حدیث معتبر بوده و مورد قبول می‌باشد. این روایت به تنهایی برای اثبات شهادت معصومان (عليهم السلام) کافی است اما برای اتقان بیشتر این نوشتار در ادامه گزارش‌های اختصاصی را نیز ذکر می‌کنیم.

گزارش‌های اختصاصی پیرامون شهادت امام رضا (علیه‌السلام) به دو بخش تقسیم می‌گردند، پاره‌ای از این گزارش‌ها از شهادت آن حضرت در آینده خبر می‌دهد و برخی هم از به شهادت رسیدن آن حضرت توسط مامون خیر داده است. در هر قسمت چند روایت به عنوان نمونه می‌آوریم.

← گزارش‌های خبر از شهادت

مطابق تعدادی از گزارشات، امام رضا (علیه‌السلام) از شهادت خود خبر داده است. از منظر امامیه، خبری را که معصوم (علیه‌السلام) از یک واقعه می‌دهد، بدون شک محقق خواهد شد، بنابراین؛ اگر امام (علیه‌السلام) از شهادت خود خبر دهد، حتماً شهید خواهد شد، به همین دلیل از این سری روایات هم می‌توان به عنوان مستندات شهادت امام رضا (علیه‌السلام) استفاده نمود. در ادامه چهار روایت از این مجموعه را می‌آوریم.

←← روایت اول

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ... قَالَ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ.
[۸] القمى، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفای ۵۳۸هـ)، عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام) ج ۲، ص ۲۵۶.

عبدالسلام بن صالح هروی (خادم امام رضا (علیه‌السلام)) می‌گوید: از امام رضا (علیه‌السلام) شنیدم که فرمود... بدترین آفریده **خداوند** در این زمان، مرا به وسیله سم می‌کشد.

بررسی سند

این گزارش، همان است که در بخش «گزارش کلی شهادت» آوردیم. اعتبار سلسله راویان آن را همانجا ثابت نمودیم.

←← روایت دوم

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي سَأَقْتُلُ بِالسَّمِّ مَطْلُومًا.
[۹] القمى، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفای ۵۳۸هـ)، عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام) ج ۲، ص ۲۶۱، تحقیق: تصحیح وتعلیق وتقدیم: الشیخ حسین الاعلمی، ناشر: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

حسن بن علی و شاء می‌گوید: امام رضا (علیه‌السلام) فرمود: همانا من به زودی با سم کشته خواهم شد.

←← بررسی سند

راویان گزارش فوق در رتبه بالایی از اعتبار قرار دارند. در ادامه شرح حال تک تک آنان را می‌آوریم.

مجد بن الحسن بن احمد

نجاشی درباره او اینگونه آورده است:

شیخ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم، ثقة ثقة، عین.

[۱۰] النجاشی الاسدی الکوفی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۲۸۳، تحقیق: السید موسی الشیبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

او شیخ، فقیه و بزرگ قمی‌ها بود و بسیار مورد وثوق است.

مجد بن الحسن الصفار

همو درباره شخصیت صفار نوشته است:

كان وجهها في اصحابنا القميين، ثقة، عظیم القدر.

[۱۱] النجاشی الاسدی الکوفی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۲۵۴، تحقیق: السید موسی الشیبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

او در میان اصحاب قمی، دارای جایگاه بود، انسانی مورد وثوق و بزرگ است.

احمد بن مجد بن عیسی

شیخ طوسی (رحمة‌الله‌علیه) درباره **احمد بن مجد بن عیسی اشعری**، اینگونه آورده است:

وابو جعفر هذا شیخ قم و وجهها.

[۱۲] الطوسی، الشیخ ابوجعفر، مجد بن الحسن بن علی بن احمد بن العباس (متوفای ۴۶۰هـ)، فهرست، ص ۶۸، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى ۱۴۱۷هـ.

ابوجعفر، احمد بن مجد بن عیسی، بزرگ اهل قم و نزد آنان دارای جایگاه بوده است.

الحسن بن علی الوشاء

نجاشی درباره وی می‌نویسد:

من اصحاب الرضا (علیه‌السلام) وكان من وجوه هذه الطائفة.

[۱۳] النجاشی الاسدی الکوفی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۲۹۹، تحقیق: السید موسی الشیبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

وی از اصحاب امام رضا (علیه‌السلام) و یکی از بزرگان طایفه امامیه بود.

← روایت سوم

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلِيُّوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ إِنِّي سَأَقْتُلُ بِالسَّمِّ مَطْلُومًا وَأَقْبِرُ إِلَى خَنْبِ هَارُونَ.
[۱۴] القمى، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفى ۲۸۱هـ)، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۲۷.

ابوالصلت می‌گوید: امام رضا (علیه‌السلام) فرمود: همانا من به زودی با سم کشته خواهم شد و در کنار هارون دفن می‌شوم.

← بررسی سند

این روایت هم به نوبه خود از روایان مورد اعتمادی برخوردار است. شرح حال تمام اینها بجز راوی نخست، قبلاً بیان گردید. نخستین راوی هم در زمره کسانی است که صدوق (رحمة‌الله‌علیه) روایات فراوانی از او نقل کرده است، گذشت که این امر می‌تواند نشانه اعتماد صدوق (رحمة‌الله‌علیه) به او باشد و گفتیم که جمعی از دانشمندان بر این عقیده‌اند اگر روایان ثقه به ویژه افرادی مانند کلینی و شیخ صدوق، روایات زیادی از یک راوی نقل کنند، نشان از اعتماد آنها به آن راوی بوده و عده‌ای از عالمان اینگونه افراد را مورد وثوق می‌دانند. علاوه بر آنکه **علامه حلی** (رحمة‌الله‌علیه) طریقی شیخ صدوق (رحمة‌الله‌علیه) به **منصور بن حازم** را که در میان آنها «ماجیلویه» وجود دارد، طریقی معتبر و صحیح می‌داند. بنابراین؛ می‌توان گفت که وی از نگاه علامه حلی (رحمة‌الله‌علیه) نیز مورد اعتماد است.

متن علامه (رحمة‌الله‌علیه) این است:

وطریق الشيخ ابى جعفر مجد بن بابويه فى كتاب من لا يحضره الفقيه... عن منصور بن حازم صحيح.

[۱۵] الحلى الاسدى، جمال الدين ابو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى ۷۲۶هـ)، خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال، ص ۴۳۸، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القويمى، ناشر: مؤسسه نشر الفقه، الطبعة: الاولى، ۱۴۱۷هـ.

طریق (سلسله روایان) صدوق (رحمة‌الله‌علیه) در کتاب «من لا يحضره الفقيه» به منصور بن حازم، طریقی درست و صحیح است.

← روایت چهارم

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَام: إِنِّي مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظَلْمًا.
[۱۶] القمى، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفى ۲۸۱هـ)، عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، ج ۲، ص ۲۵۴.

ياسر خادم گفت: امام رضا (عليه‌السلام) فرمود: همانا من با زهر و از روی ستم شهید می‌شوم.

← گزارش‌های وقوع شهادت

بر پایه تعدادی از گزارش‌ها، امام رضا (عليه‌السلام) توسط خلیفه وقت، **مامون عباسی** به شهادت رسید. نمونه‌هایی از این دست گزارشات را بنگرید:

← روایت یکم

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلِيُّوَيْهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمُتَوَكِّلِ وَ أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ تَاتَانَةَ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمِ بْنِ هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قَالَ لِي (أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَام) يَا أَبَا الصَّلْتِ ادْخُلْ هَذِهِ الْقُبَّةَ الَّتِي فِيهَا قَبْرُ هَارُونَ وَ اثْنِي بِرَأْبٍ مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِهَا قَالَ فَمَضَيْتُ فَاتَّبَيْتُ بِهِ فَلَمَّا مَثَلْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ لِي نَاولِي هَذَا التُّرَابَ وَ هُوَ مِنْ عِنْدِ الْبَابِ فَتَاولْتُهُ فَأَخَذَهُ وَ شَمَّهُ ثُمَّ رَمَى بِهِ ثُمَّ قَالَ سَيُخْفَرُ لِي هَاهُنَا... ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا الصَّلْتِ عَدَا أَدْخَلُ عَلَيَّ هَذَا الْفَاجِرَ فَإِنِ آتَا خَرَجْتُ وَ أَنَا مَكشُوفُ الرَّأْسِ فَتَكَلَّمْتُ أَكَلِمَةً وَ إِنِ آتَا خَرَجْتُ وَ أَنَا مَعْطَى الرَّأْسِ فَلَا تَكَلِّمْنِي قَالَ أَبُو الصَّلْتِ فَلَمَّا أَصْبَحْنَا مِنَ الْعَدُوِّ... دَخَلَ عَلَيْهِ غُلَامٌ الْمَأْمُونُ فَقَالَ لَهُ أَحِبِّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ... وَ دَخَلَ الْمَأْمُونُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَبِقٌ عَلَيْهِ عَتَبٌ... فَقَالَ لَهُ كُلْ مِنْهُ فَقَالَ لَهُ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) نَعْفِينِي مِنْهُ فَقَالَ لَا يَدُّ مِنْ ذَلِكَ... فَأَكَلَ مِنْهُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَام... فَخَرَجَ عَ مَعْطَى الرَّأْسِ فَلَمَّ أَكَلِمَةً حَتَّى دَخَلَ الدَّارَ فَأَمَرَ أَنْ يُغْلَقَ الْبَابُ فَعَلِقُ... فَتَبَيَّنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ شَابٌّ حَسَنُ الْوَجْهِ... ثُمَّ مَضَى نَحْوَ أَبِيهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَدَخَلَ... وَ مَضَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَام...
[۱۷] القمى، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفى ۲۸۱هـ)، عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، ج ۲، ص ۲۲۴.

ابوالصلت می‌گوید: امام رضا (عليه‌السلام) به من فرمود: در این بقعه که هارون در آنجا دفن است برو و از هر گوشه آن مشتى خاک برابم بیاور، من رفته و آنچه خواسته بود آوردم، چون مقابلش رسیدم فرمود: یکی یکی از آن (چهار مشت) خاک را به من ده، من آن را به حضرت دادم، آن را بویید و بر زمین ریخت و فرمود: در اینجا برابم قبری حفر می‌کنند...

اى ابا صلّت فردا من بر این فاجر (مامون) وارد می‌شوم، پس اگر از آنجا سر برهنه خارج شدم با من حرف بزن و من پاسخ تو را خواهم داد، اما اگر سر مرا پوشیده بودم با من سخن مگو، ابوالصلت گوید: چون صبح شد... امام (عليه‌السلام) بر مامون وارد شد، پیش روی مامون طبقی از انگور بود... او به امام (عليه‌السلام) گفت شما از آن تناول کنید. امام فرمود: مرا از خوردن آن معاف بدار، گفت: باید از آن بخوری... امام از او گرفت و سه دانه از آن را در دهان گذاشت... آنگاه عبا به سر کشید و خارج شد، ابوالصلت گوید: من با او سخن نگفتم تا داخل خانه شد، و فرمود: درها را ببندید... در این هنگام دیدم جوانی خوشروی (امام جواد (عليه‌السلام)) داخل خانه شد... سپس به سوی پدرش رفت... امام رضا (عليه‌السلام) هم در این هنگام به شهادت رسید...

← بررسی سند

سلسله روایان این روایت همگی از اعتبار لازم برخوردارند. غیر از روایان طبقه آخر یعنی مشایخ صدوق (رحمة‌الله‌علیه)، و توافقت دیگر روایان، علی بن ابراهیم و پدرش، همچنین ابوالصلت، پیش از این گذشت. در طبقه مشایخ صدوق (رحمة‌الله‌علیه) هم هفت نفر هستند که بررسی شرح حال تک تک آنها لازم نیست بلکه توافقت یکی از آنها برای اثبات اعتبار در این طبقه کفایت می‌کند، به همین دلیل تنها شرح حال یک نفر از آنها یعنی «أحمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی» را از باب نمونه از نظراتان می‌گذرانیم. وی که شهادت خود شیخ صدوق (رحمة‌الله‌علیه) فردی متدین و مورد اعتماد است و درباره او نوشته است:

[۱۸] الصدوق، ابوجعفر مجد بن على بن الحسين (متوفى ۲۸۱هـ)، کمال الدين و تمام النعمة، ص ۳۶۹، ناشر: اسلامية تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ.

او مردی مورد وثوق، دیندار و فاضل بود.

← روایت دوم

حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمِ الْقُرَشِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الصَّلْتِ الْهَرَوِيَّ فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ طَابَتْ نَفْسُ الْمَأْمُونِ بِقَتْلِ الرَّضَا عَ مَعَ إِكْرَامِهِ وَ مَحَبَّتِهِ لَهُ وَ مَا جَعَلَ لَهُ مِنْ وِلَايَةِ الْعَهْدِ بَعْدَهُ فَقَالَ إِنَّ الْمَأْمُونِ إِنَّمَا كَانَ يُكْرِمُهُ وَ يُحِبُّهُ لِمَعْرِفَتِهِ بِغَضَلِهِ وَ جَعَلَ لَهُ وِلَايَةَ الْعَهْدِ مِنْ

بَعْدَهُ لِيُرَى النَّاسَ أَنَّهُ رَاغِبٌ فِي الدُّنْيَا فَيَسْقُطَ مَحَلَّةً مِنْ نُفُوسِهِمْ فَلَمَّا لَمْ يَظْهَرْ مِنْهُ فِي ذَلِكَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا أَزْدَادَ بِهِ فَصَلَّاءَ عِنْدَهُمْ وَ مَخَلَّافًا فِي نُفُوسِهِمْ جَلَبَ عَلَيْهِ الْمُتَكَلِّمِينَ مِنَ التُّلَدَانِ طَمَعًا فِي أَنْ يَقْطَعَهُ وَاجِدٌ مِنْهُمْ قَيْسُطُ مَحَلَّةً عِنْدَ الْعُلَمَاءِ وَ سَبِيهِمْ بَشْتَهَرُ نَقْصُهُ عِنْدَ الْعَامَّةِ فَكَانَ لَا يُكَلِّمُهُ خَضَمٌ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمُجُوسِ وَ الصَّابِيِّينَ وَ الْبَرْهَمِيَّةَ وَ الْمَلْجِدِيَّةَ وَ الدَّهْرِيَّةَ وَ لَا خَضَمٌ مِنْ فِرْقِ الْمُسْلِمِينَ الْمُخَالِفِينَ إِلَّا قَطْعَهُ وَ الزَّمَّةَ الْحُجَّةَ وَ كَانَ النَّاسُ يَقُولُونَ وَ اللَّهُ إِنَّهُ أَوْلَى بِالْخِلَافَةِ مِنَ الْمَأْمُونِ وَ كَانَ أَضْحَابُ الْأَخْبَارِ يَرْفَعُونَ ذَلِكَ إِلَيْهِ فَيَتَنَاطَوْنَ مِنْ ذَلِكَ وَ يَشْتَدُّ حَسَدُهُ لَهُ وَ كَانَ الرِّضَاعَ لَا يَخَابِي الْمَأْمُونِ مِنْ حَقِّهِ وَ كَانَ يُحِبُّهُ بِمَا يَكْرَهُ فِي أَكْثَرِ أَحْوَالِهِ فَيَغِيظُهُ ذَلِكَ وَ يَحْفَظُهُ عَلَيْهِ وَ لَا يَظْهَرُهُ لَهُ فَلَمَّا أَعْتَبَهُ الْجَيْلَةُ فِي أَمْرِهِ اغْتَالَهُ فَقَتَلَهُ بِالسَّمِّ.

[١٩٩] القمي، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفى ٥٢٨١هـ)، عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، ج ٢، ص ٢٢٩.

احمد بن على انصاري می گوید: از ابوالصلت سؤال کردم چگونه مامون خودش را راضی نمود که امام رضا (عليه السلام) را به قتل برساند در حالی که آن حضرت را احترام کرده و نسبت به ایشان محبت می ورزید؟ ابوالصلت گفت مامون آن حضرت را به جهت فضلی که از او سراغ داشت، محبت می کرد و او را ولیعهد قرار داد تا به مردم نشان دهد که آن حضرت به دنیا رغبت دارد و از این طریق جایگاه او نزد مردم متزلزل گردد، اما این امر موجب بیشتر شدن جایگاه امام (عليه السلام) نزد مردم شد. مامون متکلمان هر شهر را جمع می کرد به طمع اینکه یکی از آنها حضرت را مغلوب کرده و جایگاهش نزد مردم کم گردد اما هیچ یک از یهود، نصاری، مجوس، صابئین و براهمه و دهریه و فریق مسلمین با او بحث نکرد مگر آنکه آن حضرت آنها را مغلوب کرد، مردم می گفتند بخدا قسم که او نسبت به خلافت از مامون سزاوارتر است.

جاسوسان این خبر را به مامون می رساندند و او بدین سبب خشمگین شده و حسدش نسبت به امام (عليه السلام) بیشتر می شد، امام رضا (عليه السلام) هم از مامون در هیچ حقی پروا نداشت و او را یاری نمی کرد و در اکثر اوقات او را رد می کرد، به همین سبب مامون غضبناک شده و کینه اش زیاد می شد اما اظهار نمی کرد و چون از حيله کردن در امر آن حضرت عاجز شد در کارش مکر کرد و او را با زهر شهید کرد.

← روایت سوم

حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ الرَّازِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِتَبَسَابُورَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِينَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ مَاجِلِيَّوَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي قَالَ أَخْبَرَنِي الرَّيَّانُ بْنُ شَيْبِ بْنِ خَالِ الْمَعْتَمِرِ أَخُو مَارِدَةَ أَنَّ الْمَأْمُونُ لَمَّا أَرَادَ أَنْ يَأْخُذَ التَّبِيعَةَ لِنَفْسِهِ بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع بُولَايَةَ الْعَهْدِ وَ لِقَضَلِ بْنِ سَهْلٍ بِالْوَزَارَةِ أَمْرَ بِنَلَانَةِ كِرَاسِيٍّ فَتَصَيَّبَتْ لَهُمْ فَلَمَّا قَعَدُوا عَلَيْهَا أَدْنَى لِلنَّاسِ فَدَخَلُوا يُتَابِعُونَ فَكَانُوا يَصْفِقُونَ بِأَيْمَانِهِمْ عَلَى أَيْمَانِ التَّلَاثَةِ مِنْ أَعْلَى الْأَيْهَامِ إِلَى الْخَنْصِرِ وَ يَحْرَجُونَ حَتَّى يَأْتِيَ فِي آخِرِ النَّاسِ قَتَى مِنْ الْأَنْصَارِ فَصَفَقَ بِيَمِينِهِ مِنْ أَعْلَى الْخَنْصِرِ إِلَى أَعْلَى الْأَيْهَامِ فَتَبَسَّمَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا ع ثُمَّ قَالَ كُلُّ مَنْ تَابِعَنَا تَابَعَ يَفْسُخُ التَّبِيعَةَ غَيْرَ هَذَا الْفَتَى فَإِنَّهُ تَابِعَنَا بِعَقْدِهَا فَقَالَ الْمَأْمُونُ وَ مَا فَسَخَ التَّبِيعَةَ مِنْ عَقْدِهَا قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع عَقْدَ التَّبِيعَةَ هُوَ مِنْ أَعْلَى الْخَنْصِرِ إِلَى أَعْلَى الْأَيْهَامِ وَ فَسَخُهَا مِنْ أَعْلَى الْأَيْهَامِ إِلَى أَعْلَى الْخَنْصِرِ قَالَ فَمَآجِ النَّاسِ فِي ذَلِكَ وَ أَمَرَ الْمَأْمُونُ بِإِعَادَةِ النَّاسِ إِلَى التَّبِيعَةَ عَلَى مَا وَصَفَهُ أَبُو الْحَسَنِ ع وَ قَالَ النَّاسُ كَيْفَ يَسْتَحِقُّ الْإِمَامَةَ مَنْ لَا يَعْرِفُ عَقْدَ التَّبِيعَةَ إِنْ مَنْ عِلْمٍ لِأُولَى يَهَا مِمَّنْ لَا يَعْلَمُ قَالَ فَحَمَلَهُ ذَلِكَ عَلَى مَا فَعَلَهُ مِنْ سَمِّهِ.

[٢٠٠] القمي، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفى ٥٢٨١هـ)، عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، ج ٢، ص ٢٢٩.

ريان بن شبيب می گوید: وقتی مامون خواست از مردم بیعت بگیرد تا او را **امیرالمؤمنین** بخوانند و برای امام رضا (عليه السلام) از آن بیعت گرفته تا آن حضرت را ولیعهد او بدانند، همچنین خواست برای **فضل بن سهل** بیعت بگیرد تا او را به عنوان وزیرش بدانند، امر کرد سه صندوق برای آنها قرار دهند. وقتی هر سه نفر بر صندوقها نشستند، به مردم اذن داد تا بیعت کنند، مردم داخل می شدند و دست راستشان را به دست راست ایشان داده به طوری که از بالای انگشتان ایهام تا بالای انگشتان کوچکشان با هم منطبق می گشت و بدین وسیله بیعت کرده و خارج می شدند تا آن که همه بیعت کرده و آخرین نفر جوانی از انصار بود و یک بر خلاف همه دست راستش را از بالای انگشت کوچک با بالای انگشت ایهام در دست آن سه نفر گذارد و با ایشان بیعت نمود، امام (عليه السلام) تبسم کرد و فرمود: تمام آنان که با ما بیعت کردند بیعتشان به شکل فسخ بیعت انجام گرفت غیر از این جوان که بیعتش به شکل عقد بیعت واقع گردید. مامون گفت: امتیاز بین این دو در چیست؟ امام فرمود: عقد بیعت عبارتست از این که طرفین بیعت از بالای انگشت کوچک تا بالای انگشت ایهام دستشان را با هم منطبق کنند یعنی طوری با هم دست دهند که انگشتان کوچک بالا و انگشتان ایهامشان پائین قرار گیرد ولی فسخ بیعت به عکس آن است یعنی از اعلاى انگشت ایهام تا اعلاى انگشت کوچک با هم منطبق می گردد و به عبارت دیگر طوری با هم دست می دهند که انگشتان ایهام بالا و انگشتان کوچکشان پائین واقع می گردد. راوی می گوید: در میان مردم اختلاف پیدا شد، مامون امر کرد همه بیعت را اعاده کرده و همان طوری که امام (عليه السلام) توصیف فرمود، آن را انجام دادند، ایشان می گفتند: کسی که عقد بیعت را بلد نیست چگونه مستحق امامت است، قطعاً کسی که به آن علم دارد سزاوارتر است از کسی که به آن جاهل است. راوی می گوید: همین سرزنش مردم مامون را وادار کرد که امام (عليه السلام) را با سم مسموم نماید. لازم به ذکر است؛ آنچه در این روایت آمده، تنها به عنوان یک عامل از مجموعه عوامل، برای به شهادت رساندن امام (عليه السلام) بوده نه آنکه تنها انگیزه مامون برای قتل امام (عليه السلام) این بوده باشد.

جمع بندی

رهاورد نوشتار بالا، اثبات شهادت امام رضا (عليه السلام) بر پایه دو دسته گزارشات کلی و اختصاصی است. بیان شد که این گزارشات فراوان است به طوری که ملاحظه مجموع اینها اطمینان آور بوده و ما را از بررسی سندی بی نیاز می کند، در عین حال، همانطور که ملاحظه شد، پاره ای از این گزارشات به تنهایی نیز اتقان لازم را بر اساس **دانش رجال** دارند.

پانویس

- ↑ القمی، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفى ٥٢٨١هـ)، عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، ج ٢، ص ٢٥٦.
- ↑ نگ: ترابی شهر رضایی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، ص ٣٤٥.
- ↑ الفاضل النکرانی، نهاية التقرير فى مباحث الصلاة، تقرير بحث البروجردی، ج ٣ ص ٢٢٢، ناشر: مرکز فقه الاثمة الاطهار عليهم السلام.
- ↑ الموسوی الخوئی، السيد ابو القاسم (متوفى ٥١٤١١)، معجم رجال الحديث، ج ١٨، ص ٣٠٠، الطبعة الخامسة، ٥١٤١٢ ١٩٩٢م.
- ↑ النجاشی الاسدی الکوفی، ابوالعباس احمد بن على بن احمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ٢٦٠، تحقيق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ٥١٤١٦.
- ↑ الموسوی الخوئی، السيد ابو القاسم (متوفى ٥١٤١١)، معجم رجال الحديث، ج ١، ص ٢٩١، الطبعة الخامسة، ٥١٤١٢ ١٩٩٢م.
- ↑ النجاشی الاسدی الکوفی، ابوالعباس احمد بن على بن احمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ٢٤٥، تحقيق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ٥١٤١٦.
- ↑ القمی، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفى ٥٢٨١هـ)، عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، ج ٢، ص ٢٥٦.
- ↑ القمی، ابى جعفر الصدوق، مجد بن على بن الحسين بن بابويه (متوفى ٥٢٨١هـ)، عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، ج ٢، ص ٢٦١، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الاعلمی، ناشر: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤٠٤ - ١٩٨٤ م
- ↑ النجاشی الاسدی الکوفی، ابوالعباس احمد بن على بن احمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ٢٨٢، تحقيق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ٥١٤١٦.
- ↑ النجاشی الاسدی الکوفی، ابوالعباس احمد بن على بن احمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ٢٥٤، تحقيق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ٥١٤١٦.
- ↑ الطوسى، الشيخ ابوجعفر، مجد بن الحسن بن على بن الحسين (متوفى ٥٤٠هـ)، الفهرست، ص ٤٨، تحقيق: الشيخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسة نشر الفقه، چاپخانه: مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الاولى ١٤١٧.
- ↑ النجاشی الاسدی الکوفی، ابوالعباس احمد بن على بن احمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ٢٩٠، تحقيق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی قم، الطبعة: الخامسة، ٥١٤١٦.

۱۴. ↑ القمی، ابی جعفر الصدوق، مجد بن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای ۵۲۸۱هـ)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۷.
۱۵. ↑ الحلّی الاسدی، جمال الدین ابو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (متوفای ۵۷۲۶هـ)، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، ص ۴۳۸، تحقیق: فضیلة الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقهة، الطبعة: الاولى، ۵۱۴۱۷هـ.
۱۶. ↑ القمی، ابی جعفر الصدوق، مجد بن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای ۵۲۸۱هـ)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۵۴.
۱۷. ↑ القمی، ابی جعفر الصدوق، مجد بن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای ۵۲۸۱هـ)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۴۲.
۱۸. ↑ الصدوق، ابوجعفر مجد بن علی بن الحسین (متوفای ۵۲۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۶۹، ناشر: اسلامیه تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ.
۱۹. ↑ القمی، ابی جعفر الصدوق، مجد بن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای ۵۲۸۱هـ)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۳۹.
۲۰. ↑ القمی، ابی جعفر الصدوق، مجد بن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای ۵۲۸۱هـ)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۳۹.

منبع

موسسه ولی عصر، برگرفته از مقاله «گزارش‌های شهادت امام رضا (علیه السلام) بر اساس کتاب عیون اخبار الرضا (علیه السلام)».

رده‌های این صفحه : [شبهات اهل سنت](#) | [شبهات وهابیت](#) | [شهادت امام رضا](#) | [مباحث حدیثی](#) | [مباحث کلامی](#)